

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تقریرات درس خارج اصول

### حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرسی طباطبائی نیرودی دامت برکات

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۷۶ - سه شنبه ۹۱/۱۲/۲۲

#### بیان دیگری از محقق نائینی در دفاع از شیخ رحمته الله

محقق نائینی رحمته الله معتقدند<sup>۱</sup> حتی اگر قائل شویم درک عقلی (در مورد شرطیت مورد ابتلا بودن اطراف) به منزله‌ی مخصّص متصل باشد، در ما نحن فیه خصوصیتی وجود دارد که باعث اجمال عام یا مطلق نخواهد شد و در مثال مذکور می‌توان به اطلاق «اجتنب عن النجس» در مورد شک، تمسک کرد؛ زیرا در مواردی اجمال مخصّص متصل به عام و مطلق سرایت می‌کند که مخصّص در متن واقع مقدار معینی داشته باشد ولی نزد ما مردّد باشد، مانند «اکرم کلّ عالم الاّ الفساق» که نمی‌دانیم شامل عالم مرتکب صغیره نیز می‌شود یا خیر، زیرا نمی‌دانیم فاسق برای مرتکب هر گناهی وضع شده یا برای مرتکب خصوص کبیره وضع شده است. در این مثال که فی الواقع معنای فاسق، مشخص و معین است ولی ما نمی‌دانیم موضوع له آن چیست، اجمال مخصّص متصل به عام و مطلق سرایت می‌کند و در ما نحن فیه اگر فرض شود که ندانیم معنای فاسق چیست نمی‌توانیم برای اکرام مرتکب صغیره به عموم مذکور تمسک کنیم.

ولی اگر مخصّص فی الواقع معین نباشد بلکه مفهومی باشد که در ذاتش دارای مراتب است و مفهومی کشش‌دار باشد، قاعده‌ی فوق جریان ندارد. اگر مولایی بگوید «أعط کلّ شخص درهماً الاّ العالم، فأعطه درهمین» مفهوم عالم دارای تشکیک و مراتب است. اگر یقین داشته باشیم بعضی مراتب آن از عموم عام یا اطلاق مطلق خارج است و در خروج بعضی مراتب آن دچار شک شویم، نسبت به مراتب مشکوکه می‌توان

---

۱. فوائد الاصول، ج ۴، ص ۶۰.

به عموم عام یا اطلاق مطلق رجوع کرد و اجمال مخصّص متّصل، به عام یا مطلق سرایت نمی‌کند و ما نحن فیه چنین است؛ زیرا ولو عقل حکم می‌کند در موارد خروج از ابتلا علم اجمالی منجز نیست، ولی این مفهوم ذات تشکیک است و مصادیق آن دارای مراتب است و بعضی مراتب آن قطعاً از اطلاق دلیل خارج است مانند اناء در چین، اما اگر شک شود که مثلاً اناء در اصفهان نیز از محلّ ابتلا خارج است یا خیر، می‌توان به عام یا مطلق رجوع کرد.

نتیجه آنکه حتی اگر مخصّص متّصل، حکم عقلی باشد سخن شیخ صحیح است و می‌توان به اطلاق تمسّک کرد؛ زیرا در حقیقت وقتی مخصّص ذات مراتب باشد با شکّ در خروج یک مرتبه از اطلاق، به تخصیص زائد باز می‌گردد و هنگام شکّ در تخصیص زائد باید به عام رجوع کرد، «فتأمل»<sup>۱</sup>.

### اشکال محقق عراقی بر بیان محقق نائینی در دفاع از شیخ

محقق عراقی رحمته الله بیان و دفاع اخیر محقق نائینی از شیخ رحمته الله را نمی‌پذیرند و سه بیان در ردّ کلام محقق نائینی رحمته الله مطرح می‌کنند.

**بیان اوّل:** هر کس که قائل است حجّیت الفاظ از باب اصالة الظهور است، قائل است که اگر در کلام چیزی وجود داشته باشد که موجب شکّ در انعقاد ظهور گردد ولو بدو، مانع از انعقاد عام در عموم یا مطلق در اطلاق است. به تعبیر دیگر حتی اگر مسئله‌ی اقلّ و اکثر را کنار بگذاریم و جایی را فرض کنیم که کلام مشتمل بر قرینه‌ای باشد که با برخورد اولیه موجب پیدایش شکّ در انعقاد ظهور گردد، این کلام از حجّیت ساقط و ظهوری منعقد نمی‌شود و ما نحن فیه از این قبیل است؛ زیرا درک عقلی نسبت به اینکه خروج از ابتلا مانع انعقاد اطلاق یا عموم دلیل می‌شود هرچند احتمال مانعیت بدوی و ابتدایی باشد، موجب انهدام ظهور و عدم انعقاد اطلاق و عموم می‌شود؛ به دلیل آنکه در ما نحن فیه فرض شده است قرینه‌ی متّصله وجود دارد و در نگاه اوّلیه احتمال داده می‌شود که دلیل نسبت به تمام موارد خروج از ابتلا با تمام مراتبش اطلاق و عموم نداشته باشد. بنابراین کلام محقق نائینی درست نیست.

**بیان دوم:** با صرف نظر از بیان اوّل می‌توان گفت خروج از ابتلا دارای مراتبی است؛ مرتبه‌ای که خروج آن یقینی است و مرتبه‌ای که خروج آن مشکوک است. در هر حال چون قرینه متّصل به کلام است در

۱. همان، ص ۶۱.

۲. نهاية الافکار، ج ۳، ص ۳۴۴.

مرتبه‌ای که خروج آن یقینی است کلامی نیست و در مورد مشکوک می‌توان گفت کلام محفوف به چیزی است که صلاحیت قرینیت را دارد و این معنا مانع از انعقاد ظهور است و نمی‌توان به اطلاق یا عموم تمسک کرد.

**تفاوت بیان اول و دوم ایشان** در این است که در بیان اول نگاهی به اقل و اکثر و مراتب نشده است بلکه یک واحد در نظر گرفته شده که احتمال قرینیت در آن وجود داشت، اما در بیان دوم به مراتب توجه شده است اما وجود مراتب در قرینیت چیزی که مانع انعقاد اطلاق یا عموم است تفاوتی ندارد.

**بیان سوم:** در این بیان محقق عراقی رحمته الله بنا به فرضی که خواهیم گفت، ما نحن فیه را مانند مثال فسق که مردّد بین اقل و اکثر است می‌داند. همان‌گونه که در مخصّص متصل مانند فسق، اجمال به مطلق سرایت می‌کند ما نحن فیه نیز می‌تواند این‌گونه باشد و فرض آن است که فائل شویم تمام مراتب خروج از ابتلا مانع منجزیت علم اجمالی و اطلاق تکلیف باشد و به تعبیر دیگر از حیثی هیچ ابهامی در مخصّص نیست که مثلاً مرتبه‌ای مراد باشد و مرتبه‌ای مراد نباشد و تنها در این شک وجود دارد که اول مرتبه‌ی صدق خروج از ابتلا، با فاصله‌ی ۵۰ کیلومتری محقق می‌شود یا با ۵۰۰۰ کیلومتر فاصله محقق می‌شود. این مسئله مانند آن است که ندانیم فسق با خصوص کبیره محقق می‌شود یا اعم از کبیره و صغیره است. لذا در ما نحن فیه در این فرض نیز اجمال به عام یا مطلق سرایت می‌کند.

مقرر: سید حامد طاهری